

چرا معاویه قتل امام حسن (ع) را پیگیری کرد؟

بیست و هشتم ماه صفر مصادف است با شهادت کریم اهل بیت (ع)، امامی که در طول زندگی خود بارها سراسر زندگی خود را برای اسلام و مسلمین انفاق کرد و اکنون در غربتی وصف ناشدنی به سر می‌برد.



بیست و هشتم ماه صفر مصادف است با شهادت کریم اهل بیت (ع)، امامی که در طول زندگی خود بارها سراسر زندگی خود را برای اسلام و مسلمین انفاق کرد و اکنون در غربتی وصف ناشدنی به سر می‌برد. به گزارش خبرنگار دین و اندیشه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، امام حسن (ع) در روزگاری سخت متولد شدند. تقریباً تمام جنگ‌های صدر اسلام در هفت سال آغازین عمر شریف ایشان اتفاق افتاد. امام حسن (ع) از همان کودکی به یادگیری قرآن و سخنان حکیمانه و طریقه نبرد و شجاعت و دینداری پرادختند؛ آن هم در محضر عالی‌ترین اسطوره‌های دین و انسانیت. امام حسن (ع) در نیمه ماه رمضان سال سوم هجری، به دنیا آمد؛ اولین فرزند علی (ع) و فاطمه (س) است. پس از ولادت، نامگذاری او به رسول خدا (ص) محوّل شد و آن حضرت هم منتظر نامگذاری پروردگار ماند. تا اینکه جبرئیل، امین وحی، فرود آمد و گفت: خدایت سلام می‌رساند و می‌گوید چون علی برای تو همانند هارون برای موسی است، نام فرزندش را نام فرزند حضرت هارون علیه السلام یعنی شبر قرار ده! رسول خدا فرمود: زبان من عربی است و شبر، عبری است.

جبرئیل گفت: شبر در زبان عرب به معنای "حسن" است و به این ترتیب، کودک، حسن نام گرفت. تنها کنیه‌ی آن حضرت «ابو محمد» و مشهورترین القابش "سید، سبط، تقی و مجتبی" است که از همه معروفتر مجتبی است. چهره زیبا و خصائل اخلاقی او دقیقاً مانند پدر بزرگ عزیزش رسول خدا (ص) بود در هفتمین روز تولدش پیامبر (ص) گوسفندی خرید و برای سلامتی فرزند عزیزش قربانی کرد، که بعدها این عمل بنام عقیقه سنت شده است. دوران حیات امام حسن مجتبی (ع) با سایر ائمه اطهار (ع) تفاوت‌هایی داشت که یکی از آنها موضوع غربت عجیب ایشان و صلح با معاویه است؛ صلحی که قهرمانانه‌ترین نرمش تاریخ است که با توجه به شرایط زمانی و مکانی آن عصر به وجود آمد.

صلح امام

مهمترین حادثه در زندگی امام حسن علیه‌السلام جریان صلح معاویه با آن حضرت است. تحلیل این حادثه ضروری به نظر می‌رسد زیرا خود امام، صلحش را حجتی بر آیندگان می‌داند؛ یعنی بر اساس عملکرد حضرت، وظیفه انسان نیز در شرایط مشابه با آن زمان، صلح و مصالحه است.

بررسی مقدمات و شرایط و عللی که صلح را ایجاب کرد و دقت در کیفیت وقوع صلح و مواد صلحنامه و موشکافی نتایج شیرین صلح برای جناح حق و ضربه‌های سهمگین آن بر جناح باطل به‌خوبی روشن می‌کند که صلح آن حضرت در حقیقت انقلاب سبزی بود که زمینه انقلاب سرخ حسینی را فراهم ساخت و این نرمش قهرمانانه در کنار آن جنبش ظلم‌ستیزانه، پایه‌ریز انقلاب علمی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در عصر طلایی خلافت انتقال قدرت از بنی‌امیه به بنی‌عباس گشت و به این ترتیب، اسلام ناب محمدی که در تشیع جلوه‌گر بود، نهال خود را آبیاری و به درخت تنومندی تبدیل کرد. این صلح قهرمانانه‌ترین نرمش تاریخ است که با توجه به شرایط زمانی و مکانی آن عصر به وجود آمد.

در رابطه با صلح امام حسن (ع) همواره سوالاتی مطرح می‌شود که در این گزارش به مختصری از علل و زمینه‌های صلح امام حسن (ع) اشاره می‌کنیم:

تکلیف‌گرایی

اگر علت صلح امام حسن (ع) انجام تکلیف الهی باشد؛ بدین معنا که خداوند چنین وظیفه‌ای را برای آن حضرت تعیین کرده است، اشکال و شبهه‌ای بر صلح ایشان وارد نیست و اگر می‌بینیم برخی اشکال‌هایی بر آن وارد می‌کنند به این دلیل است که سر آن را نمی‌دانند.

از سوی دیگر، امامان معصوم (علیهم السلام) حجت خدا بر مردم هستند و از این رو رفتار و گفتارشان حجت است. بر این اساس، صلح امام حسن (ع) عملی است که از سوی حجت خدا انجام شده و قطعاً دلایل بسیار مستحکم و متقنی داشته، گرچه دیگران آن را ندانند؛ چنان‌که آن حضرت بارها خود به آن اشاره کرده است.

حفظ دین

در فرهنگ امامان، حفظ دین و احیای معارف اهل بیت (علیهم السلام) محوری‌ترین عنصر است. به همین دلیل تشکیل حکومت، قیام، صلح و سکوت آنها همه در جهت حفظ اسلام و احیای سنت شکل می‌گیرد. اگر در شرایطی اسلام به واسطه قیام حفظ شود، آنان قیام می‌کنند و اگر در مقطعی دیگر سکوت آنها موجب حفظ اسلام شود، سکوت می‌کنند، هر چند این سکوت، باعث از دست رفتن حق مسلم آنان شود. امام علی (ع) فرمود: «سلامة الدین احب الینا من غیره».

بر این اساس، یکی از علل مهم صلح امام حسن (ع) را می‌توان «حفظ دین» بیان کرد، زیرا وضعیت جامعه اسلامی در شرایطی قرار داشت که ممکن بود جنگ با معاویه، اصل دین را از بین ببرد. مضافاً این‌که اوضاع بیرونی جامعه اسلامی نشان می‌داد که

روم شرقی آماده حمله نظامی به مسلمانان بود.

از سوی دیگر، مردم نیز از نظر فرهنگی در وضعیتی قرار داشتند که خونریزی و جنگ، نوعی بدبینی به دین و مقدسات را به وجود می‌آورد. شاید بر همین اساس باشد که امام حسن(ع) یکی از دلایل صلح خود را حفظ دین بیان کرد؛ چنان‌که او در پی اعتراض برخی از شیعیانش فرمودند: "ترسیدم ریشه مسلمانان از زمین کنده شود و کسی از آنان باقی نماند؛ از این رو با مصالحه‌ای که انجام گرفت، خواستم دین خدا حفظ شود."

مصالح عمومی

رعایت مصالح عمومی، خردمندانه‌ترین استراتژی است که از سوی رهبران دل‌سوز و آزادی‌خواه، به ویژه رهبران الهی اتخاذ می‌شود، زیرا آنان هیچ‌گاه مصالح عمومی را فدای مصالح فردی و گروهی نمی‌کنند. امام حسن(ع) نیز برای جلوگیری از خونریزی و رعایت مصالح مسلمانان، تن به صلح داد؛ چنان‌که آن حضرت خود فرمودند: «من صلح را پذیرفتم تا از خونریزی جلوگیری کنم و جان خود، خانواده و اصحاب صمیمی خویش را حفظ کرده باشم.»

حفظ شیعیان

حفظ شیعیان گرچه از مصادیق مصالح عمومی است، ولی از آنجایی که شیعیان، حافظان و پاسداران دین و موالی(تحت سرپرستی) اهل بیت(علیهم السلام) بودند، حفظ آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. شیعیان خاص امیرالمؤمنین(ع) اغلب در جمل، صفین و نهروان به شهادت رسیده و گروه اندکی از آنان باقی مانده بودند و اگر جنگی به وقوع می‌پیوست، با توجه به ضعف مردم عراق، قطعاً امام حسن(ع) و شیعیان متحمل خسارات جبران‌ناپذیری می‌شدند، زیرا معاویه در این صورت آنها را به شدت سرکوب می‌کرد. اما صلح آن امام می‌توانست آنها را برای شرایطی نگه دارد که در آینده فراهم می‌آمد، به طوری که اگر بنا بود خون آنها ریخته شود بتواند بازده مفیدی داشته و جریانی مؤثر در تاریخ به وجود آورد.

حمایت نکردن مردم و خیانت فرماندهان

تشکیل حکومت و دفاع از آن، به پشتوانه مردمی نیاز دارد. اگر حکومت را به کیوتری تشبیه کنیم که با دو بال به سوی مقصد پرواز می‌کند، آن دو بال، مردم و رهبر هستند. در متون اسلامی از رهبر به واژه «امام» و از مردم به واژه «امت» یاد شده است و این، پیوند عمیق آن دو را می‌رساند. حکومت بدون مردم، همانند کیوتری بال شکسته است که به هدف نهایی نمی‌رسد؛ از این رو در اسلام به مردم سالاری توجه خاصی شده است.

بی‌تردید، یکی از علل موفق نشدن امامان معصوم(علیهم السلام) در تشکیل حکومت و یا شکست ظاهری در قیام‌ها، همکاری نکردن مردم بود. امام علی(ع) به رغم این‌که حکومت را حق خود می‌دانست، ولی به دلیل نبود استقبال مردم، حکومت تشکیل نداد تا این‌که آنان پس از قتل عثمان به او روی آوردند. به همین خاطر آن حضرت فرمودند: "اگر حضور مردم نبود، افسار خلافت را رها می‌کردم."

در کل می‌توان گفت تمامی تلاش امام حسن(ع) پس از قبول صلح این بود که اهداف مورد نظرش را از صلح به نتیجه برساند و بر این اساس در تمام این مدت به حفظ نیروهای کیفی و خالص، بازسازی نیروهای خسته و وازده و تفسیر صحیح اسلام پرداخت.

تلاش موفق امام حسن(ع) برای به‌کرسی نشاندن اهداف صلح باعث شد که معاویه طرح قتل حضرت را پیگیری نماید تا بتواند به خواسته دیرین خود یعنی تبدیل خلافت اسلامی به سلطنت موروثی، جامه‌ی عمل بپوشاند. به این ترتیب سمی مهلک تهیه کرد و آن را توسط همسر آن حضرت به او خوراند.

حضرت پس از مدتی درد و رنج، در روز 28 ماه صفر سال 50 هجری به لقاء الله شتافت.

امام حسین علیه السلام، جنازه‌ی او را پس از تغسیل و نماز برای دفن به سوی مسجد و روضه پیامبر(ص) برد ولی سرانجام بر اثر ممانعت بنی‌امیه در بقیع به خاک سپرد.

ثواب عزاداری برای این حضرت به قدری زیاد است که در این رابطه رسول خدا (ص) سال‌ها پیش از شهادت امام حسن(ع) فرموده‌اند: «هر کس بر حسن گریه کند، چشمش روزی که دیده‌ها کور می‌شوند (روز قیامت)، کور نمی‌شود و هر کس در مصیبت او اندوهگین شود، روزی که همه دل‌ها اندوهگین است، غم و اندوهی ندارد. زیارت حسن مایه‌ی استواری قدم‌ها در قیامت است.»

منابع:

صدوق، علل الشرائع، قم، دآوری، ج اول، بی تا، ج 1، ص 211؛ مجلسی، بحارالأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404ق، ج 44، ص 1 و 2.

ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغة، قم، مكتبة آية الله المرعشي، 1404ق، ج 6، ص 21.

مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، قم، موسسه امام صادق(ع)، چ شانزدهم، 1383ش، ص 97.

احمد حسین یعقوب، مسامحه للحوار، بیروت، الغدير، چ اول، 1418ق، ص 181.

رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، انصاریان، چ دهم، 1386ش، ص 155.

ذهبی، تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی، ط الثانية، 1413ق، ج 4، ص 6.

یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا، ج 2، ص 217.

ابن اثیر، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار الفكر، 1409ق، ج 1، ص 489.

سید شرف الدین، صلح الحسن(ع)، بی نا، بی تا، ص 21.

ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، قم، مؤسسة العلامة للنشر، 1379ق، ج4، ص35.
نهج البلاغه، خطبه 2.
نهج البلاغه، خطبه 3، شقشقيه.